

## چگونه

# فلسفه احکام را بسایم

احکام اسلام از نظر بررسی اسرار آن یکسان نیستند بلکه به چهار دسته مختلف تقسیم می شوند .

زیانبخش و خطرناک و غیر منطقی است که تبداهای خشک ، و ممنوع ساختن از سؤال و جواب . پس این بحث را چگونه و در چه حدود و تحت چه برنامہهایی باید آغاز و دنبال کنیم ؟ قبلا یادآوری این نکته لازم است که اجرای دستورات و قوانین دینی همانطور که میدانیم نه بر جلال و کبریائی خدا چیزی می افزاید ، و نه مخالفت با آنها از عظمت و مقام او می کاهد ، همانطور که امیر مؤمنان (ع) نیز میفرماید : **و لا تضره معصية من عساه و لا تنفعه**

درست است که منطق قرآن و روش پیشوایان اسلام همه گواه بر این است که هر مسلمان حق دارد به بحث و بررسی درباره اسرار و فلسفه احکام بپردازد ، و در این زمینه تفکر ، بررسی ، و سؤال کند که شرح آنرا در مقاله گذشته آوردیم . اما این سخن به این معنی نیست که ما بدون هیچ ضابطه و مقیاسی هر چه میخواهد دل تکمان بگوئیم ، و هر کس هر چه به فکرش رسید لم فلسفه حکم باز گو کند . چه اینکه فلسفه بافیهای ناپجا به همان اندازه

بنابراین هم آنها که برای همه دستورهای اسلام تنها در جستجوی فوائد طبی و بهداشتی و یا منافع اقتصادی و مادی هستند حتی نمازها و نیایشها و راز و نیاز بسا خدا را تنها بخاطر اثرات مفید «روان تنی» و وسیله‌ای برای تسکین آلام روحی و دردها و اضطرابها میدانند ، و جز اینها نتیجه‌ای برای آن نمی‌جویند ، **گمراه‌اند** ، و هم آنها که حتی استحباب پوشیدن لباس تطهیر و گرفتن ناخن ، و زدودن تارهای کثیف و نخوردن آب از کوزه شکسته و پرهیز از آبی که خودش یا دیگری در آن غسل کرده است نیز مربوط به آثار اخلاقی و معنوی و روحانی مخصوصی که هنوز سرپنجه علم و دانش آنرا نه گشوده است می‌پندارند **در اشتباه‌اند** . بلکه قسمتی از دستورات اسلام بیشتر بخاطر پرورش اخلاق و تکامل روحی تشریح شده و قسمتی برای نظام زندگی مادی و بسیاری از آن هر دو جنبه را دارد .

اکنون برگردیم باصل سخن و به بینیم بررسی اسرار و فلسفه احکام باید تحت چه ضابطه‌ای انجام پذیرد .

باید گفت قوانین و احکام دینی روی هم رفته از چهار دسته بیرون نیست .

۱- احکامی که از همان آغاز بهشت پیامبر (ص) فلسفه آن بر همه آشکار بوده و مردم به تناسب فکر و معلومات خود ، هر کدام چیزی از آنرا درک می‌کردند منتهی برای اینکه مردم را با عموم موظف بانجام آنها کنند شکل قانونی بخشیدند مانند تحریم دروغ ، خیانت ، تهمین

طاعة من اطاعه » نعتیان گنهکاران باو زیانی میرساند و نطاعت فرمانبرداران سودی بحال او دارد .

اودر بای بی‌پایان هستی است ما و همه آفریده‌ها هر چه داریم از اوست ، او چیزی کم ندارد که ما برایش فراهم سازیم ، و نه ما چیزی داریم که او نداشته باشد و به او بدهیم .

آنچه بما میرسد خزانه اصلیش پیش اوست و باندازه معینی که صلاح میدانند بما میدهد (وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُ إِلَّا بِالْقَدْرِ مَعْلُومٍ) .

آیا يك قطره آب که از دریای بیکرانی مایه گرفته می‌تواند چیزی به دریا بیخشد ؟ و یا آئینه کوچکی که در برابر آفتاب قرار گرفته می‌تواند به آن نور بدهد ؟ همه ما انسانها ، هر قدر بپر قدرت باشیم حکم آن قطره کوچک یا آن آئینه ذره بینی را داریم .

بنابراین اگر فایده و نتیجه‌ای در این احکام و مقررات وجود دارد مخصوص ما و مربوط به ماست .

**از سوی دیگر** : ما نه تنها جسمیم که هر دستوری از طرف خدا آمده است برای تربیت جسم ، و پرورش اندام ما و مزایای بهداشتی باشد ، و نه تنها روحیم که همه بخاطر آثار معنوی آنها تشریح گردد .

بلکه مجموعه‌ای هستیم از جسم و جان ، و روح و تن ، و طبیعتاً دستورات آسمانی ما هم برای تکمیل هر دو جنبه است و جامع میان ماده و معنی .

کتابی نیز بر اساس جمع آوری این دسته از احادیث بنام « **علل الشرایع** » بوسیله یکی از بزرگترین محدثان ما (شیخ صدوق) نگاشته شده ، و محدث معروف شیخ حرعاملی در کتاب **وسائل الشیعه** در آغاز هر فصل ، غالباً باین بیان فلسفه احکام گشوده است .

ولی توجه باین نکته لازم است که ذکر این اسرار و منافع با توجه به اینکه متناسب با سطح افکار مردم بوده نه به معنی انحصار و محدود بودن فلسفه های حکم در آنچه ذکر شده می باشد ، و نه مانع از بکار انداختن اندیشه برای درک بیشتر خواهد بود .

۳- احکامی که با گذشت زمان و پیشرفت آگاهی بشر ، پرده از روی اسرار آنها برداشته شده و چهره آنها نمایان گشته است ، و ما می توانیم آنها را سندهای زنده ای بر عظمت و اسالت این احکام آسمانی بدانیم .

مثلاً اثرات زیانبار جسمی و روحی و اجتماعی مشروبات الکلی و حتی اثر گذاردن آن روی ژنها و جنین ها که امروز از زبان **آمار می توان** شنید ، و با هیجانان عصبی و مریخ های ناشی از آن ، بخاطر جلسات قمار ، و یا خطراتی که بر اثر تقسیم غیر عادلانه ثروت دامنگیر اجتماعات میگردد ، و یا زیانهای غیر قابل انکار اقتصادی و اخلاقی **ربا خواری** که همه را با ارقام ریاضی می توان روی کاغذ منعکس نمود ، یا مضرات غذاها ، آبها ، و اماکن آلوده که در اسلام بشدت از آن نهی شده و پس از کشف میکربها و

قتل نفس ، سرقت ، ظلم و ستم ، کم فروشی و تقلب ، یا امر به عدالت ، پاکبانی ، درستی ، کمک به ستمدیدگان ، کوشش و کار ، نیکی به پدر و مادر و بستگان و همسایگان و مانند اینها ، که هر کس در هر پایه از معلومات باشد فلسفه و سراین احکام را در می یابد ، گویانکه هر قدر بر میزان دانش و آگاهی انسان نسبت به مسائل زندگی افزوده شود اهمیت و اثر این دستورها را بهتر درک می کند .

۲- احکامی که فلسفه آن بر توده مردم - و گاهی بردانشمندان آن زمان نیز - روشن نبوده و در متن قرآن یا سخنان پیشوایان بزرگ دین اشاراتی به اسرار آنها رفته است ، مثلاً شاید مردم آن عصر به فلسفه سه گانه روزه (فلسفه اخلاقی ، اجتماعی بهداشتی) بی خبر بودند لذا یکجا قرآن اشاره به تاثیر تربیتی و اخلاقی آن کرده و می گوید : **« لعلکم تتقون »** و در جای دیگر امام صادق اشاره به فلسفه اجتماعی آن کرده و می گوید : **« لیسئوی به الفقیر و الغنی »** : « ... تا ثروتمندان و مستمندان یکسان زندگی کنند و اینان از حال گرسنگان آگاه شوند و به کمک آنها بشتابند » . و در مورد دیگر پیغمبر اکرم (ص) میفرماید : **« صوموا تصحوا »** روزه بگیرد تا تن شما سالم گردد ( و مواد مزاحم مصرف نشده و تولید عفونت کننده بسوزد و از بین برود ) .

نظیر این احکام فراوان است که در متون احادیث پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) اسرار آنها اشاره شده است و همانطور که گفتیم

از آغاز روشن و بدیهی بوده ، و نه درلای مقون اسلامی به اسرار آن اشاره شده ، و نه با گذشت زمان (تاکنون) به آن دسترسی یافته ایم .  
اموری مانند تعداد رکعات نمازها ، یا حد نصاب اجناس نه گانه زکوة و یا بعضی از مناسک حج در این سری قرار دارند .

آیا آیندگان باید با پیشرفتهای جدید علم و دانش پرده از روی اینها بردارند ؟

آیا آخرین وصی پیامبر (ص) مامور توضیح و تفسیر آنهاست ؟

آیا اینها جنبه انضباطی دارد ؟

و آیا از اسراری است که نارسائی علم و دانش بشر شاید درآینده هم اجازه پرده برداری کامل از روی فلسفه آنها ندهد ؟ ... هیچ کدام بر ما معلوم نیست . همینقدر میدانیم این دسته چهارم از احکام بهمان اندازه برای ما قابل احترام و لازم الاجراء است که سه دسته پیشین ... چه اینکه همه از یک منبع سرچشمه گرفته و صدق گفتار و مأموریت آورنده آنها با دلائل قطعی بر ما ثابت شده است .

و بروسها شکل حسی بخود گرفته همه و همه از این دسته از احکام است که گذشت زمان و بالا رفتن سطح فکر بشر پرده از روی فلسفه آنها کنار زده است و ما می توانیم بطور حسی آنها را درک کنیم .

ولی توجه به يك موضوع نهایت ضرورت را دارد که هر گونه افراط و تندروری ، و پیشداوریهای غلط ، و کوتاه نظریها و بینشهای کاذب ، و از همه مهمتر فرضیههای ثابت نشده علمی را بحساب قوانین مسلم علمی گذاردن ، ما را در این قسمت فرسنگها از حقیقت دور می سازد ، و بجای اینکه به اسرار و فلسفه احکام آشنا کند در بیراهه های خطرناکی سرگردان می نماید ، بنابراین تازمانی که چیزی را علم بطور قطع و مسلم اثبات نکند و صورت حسی بخود نگیرد نباید اساس بحث در توضیح فلسفه حکم قرار گیرد .

در آنجا که چیزی نداریم بگوئیم اسرار به فلسفه چینی نداشته باشیم و در آنجا هم که چیزی داریم هرگز فلسفه حکم را منحصر به آن و محدود در آن معرفی نکنیم .

۴- آخرین دسته از احکام آنهاست که نه

### ضایعه اسفناک

ستاره دیگری از آسمان روحانیت شیمه غروب کرد .

او مرحوم آیه الله آقای آقا شیخ منصور سبط الشیخ و یکی از اعظام علمای خوزستان و از نواده های مرحوم شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه بود منظم له در جمادی الاول ۱۳۰۷ هجری قمری در دزفول متولد شد و در سحرگاه چهارشنبه ۲۷/ ۲۶- ۹۲ پس از یک عمر طولانی خدمت مستمر به اسلام، بدرود زندگی گفت ما این ضایعه اسفناک را به جامعه روحانیت و همه مسلمانان این مرز و بوم مخصوصاً با زماندگان فقید سعید تسلیت می گوئیم .